

جمع‌بندی سیره عقلا

❖ اول) سیر عقلا و نسبت آن با روزگار شارع به چندین صورت قابل فرض است:

یک) در زمان شارع سیره‌ای مستقر بوده است و دلیل داریم شارع آن را به طور خاص امضا کرده است.

دو) در زمان شارع سیره‌ای مستقر بوده است و در ضمن عمومات و اطلاقات، آن سیره امضا شده است.

سه) در زمان شارع سیره‌ای مستقر بوده است و دلیل داریم شارع آن را ردع نکرده است.

چهار) در زمان شارع سیره‌ای مستقر بوده است و دلیل نداریم شارع آن را ردع کرده و یا امضا کرده است.

پنج) در زمان شارع سیره‌ای مستقر بوده و دلیل خاص داریم که شارع آن را ردع کرده است.

شش) در زمان شارع سیره‌ای مستقر بوده است و شارع آن را در ضمن عمومات و اطلاقات ردع کرده است.

هفت) در زمان شارع سیره‌ای مستقر نبوده است ولی بعدها این سیره پدید آمده است و دلیل داریم که شارع

در زمان خود آن سیره را برای بعد از خود به طور خاص امضا کرده است.

هشت) در زمان شارع، سیره‌ای مستقر نبوده است ولی در ضمن عمومات و اطلاقات آن سیره امضا شده

است.

نه) در زمان شارع سیره‌ای مستقر نبوده ولی بعدها این سیره مستقر شده است و دلیل داریم که شارع در زمان

خود از آن مطلع بوده است و آن را نسبت به زمان بعد ردع و امضا نکرده است.

ده) در زمان شارع سیره‌ای مستقر نبوده ولی بعدها این سیره مستقر شده است و دلیل نداریم که شارع آن را

ردع کرده باشد (در حالیکه بنا به اینکه شارع عالم به آینده است، از وجود آن سیره در زمان‌های بعد مطلع

بوده و می‌دانسته که مردم بنا به ارتکازات خود به آن رجوع می‌کنند).

یازده) در زمان شارع سیره‌ای مستقر نبوده ولی بعدها این سیره مستقر شده و دلیل داریم که شارع آن را به

طور خاص ردع کرده است.

دوازده) در زمان شارع سیره‌ای مستقر نبوده ولی بعدها مستقر شده و دلیل داریم که عمومات و اطلاقات

شارع آن سیره را ردع کرده است.

سیزده) سیره‌ای که در زمان شارع مستقر بوده و بعدها دیگر بنای عقلا بر آن استوار نیست.

❖ دوم) برای فرض‌های هفت، نه و یازده می‌توان به امثال این روایات اشاره کرد:

فرض هفت:





«وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَيْبَرِيِّ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ اِكْتُبْ وَ بَثَّ عَلَمَكَ فِي إِخْوَانِكَ فَإِنْ مِتَّ فَأَوْرَثُ كُتُبَكَ بَنِيكَ فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَرَجٌ لَا يَأْنِسُونَ فِيهِ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ.»^۱

فرض نه:

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ النَّهَائِنْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ فِيهِ حَجُّ الْمُلُوكِ نَزْهَةً وَ حَجُّ الْأَغْنِيَاءِ تِجَارَةً وَ حَجُّ الْمَسَاكِينِ مَسْأَلَةً. أَقُولُ: هَذَا غَيْرُ صَرِيحٍ فِي الْبُطْلَانِ وَ لَا فِي الذَّمِّ بَلْ هُوَ إِخْبَارٌ مَحْضٌ أَوْ يُرَادُ بِهِ ذَمُّ الْمُقْتَصِرِ عَلَى هَذِهِ الْمَقَاصِدِ أَوْ الْكِرَاهَةِ وَ إِنْ كَانَ مُجْزِئاً.»^۲

فرض یازده:

«وَعَنْ أَبِي عَلِيِّ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ الْعِرْزَمِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص سَيِّئَاتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُنَالُ فِيهِ الْمُلْكُ إِلَّا بِالْقَتْلِ إِلَى أَنْ قَالَ فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَصَبَرَ عَلَى الْفَقْرِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْغِنَى وَ صَبَرَ عَلَى الْبُغْضَةِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْمَحَبَّةِ وَ صَبَرَ عَلَى الذُّلِّ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْعِزِّ آتَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ خَمْسِينَ صَدِيقًا مِمَّنْ صَدَقَ بِي.»^۳

دلیل داریم که به طور خاص امضا شده است (یک)

دلیل داریم که در ضمن عمومات و اطلاعات (ممکن است) امضا شده باشد (دو)

دلیل داریم که ردع نشده است (سه)

دلیل نداریم که ردع و امضا شده است (چهار)

دلیل داریم که در به طور خاص ردع شده است (پنج)

دلیل داریم که در ضمن عمومات و اطلاعات (ممکن است) ردع شده باشد (شش)

دلیل داریم که به طور خاص امضا شده است (هفت)

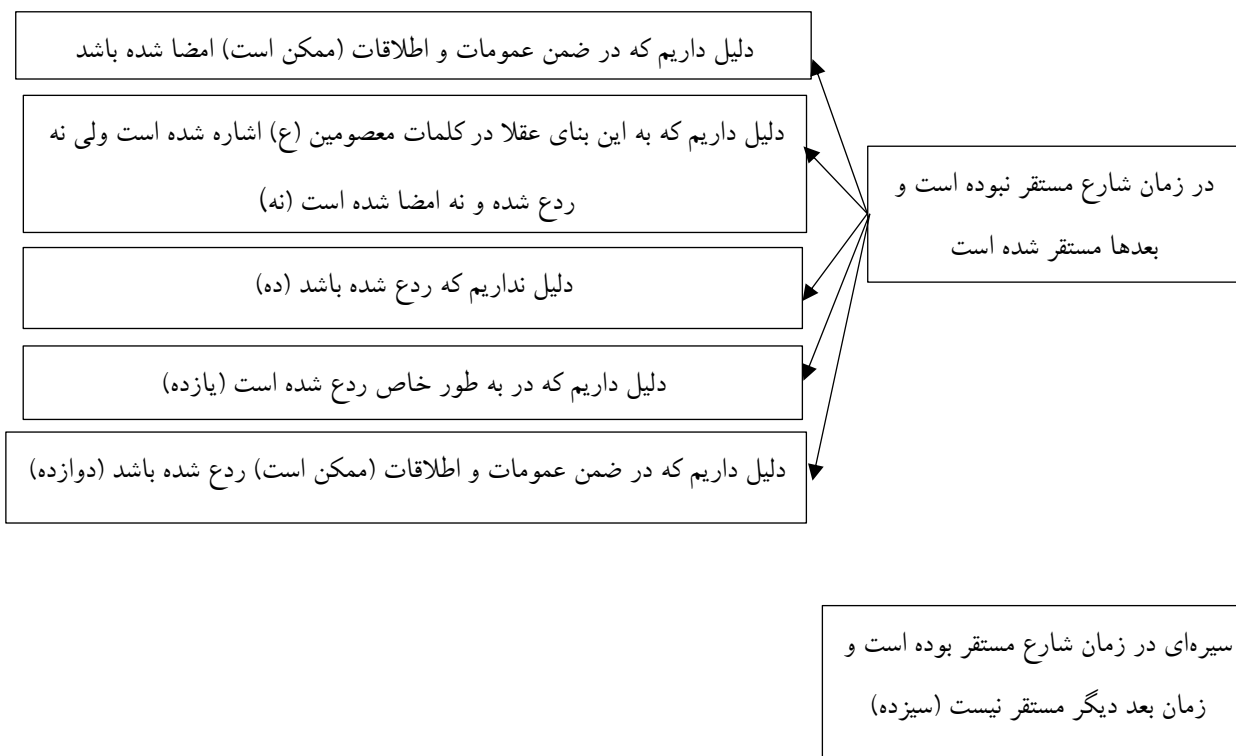
در زمان شارع مستقر بوده است

یک بنای عقلایی

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۸۱، ح ۳۲۲۶۳

۲. همان، ج ۱۱، ص ۶۰، ح ۱۴۲۴۰

۳. همان، ج ۱۵، ص ۲۶۳، ح ۲۰۴۵۵



❖ سوم

۱. در فرض (یک و دو) بی‌تردید بنای عقلا حجت است. مثال آن بنای عقلا در خبر واحد و بنای عقلا در اخذ به ظواهر است.
۲. در فرض (سه) هم می‌توان گفت «عدم ردع»، تقریر است و اگر احتمال تقیه و امثال ذلک مطرح نباشد، چنین بنای عقلایی هم امضا شده و حجت است.
۳. درباره فرض (چهار) سخن خواهیم گفت.
۴. بنای عقلا در فرض (پنج)، حجت نیست و مردود است. می‌توان برای این مورد، «بنای عقلا بر صحت ربا» را مثال زد که شارع از آن ردع کرده است.
۵. بنای عقلا در فرض (شش)، همان است که حضرت امام فرموده بودند، نمی‌توان شمول عمومات و اطلاقات را نسبت به آن پذیرفت و ردع چنین بناهایی محتاج تصریح است.
۶. بنای عقلا در فرض (هفت)، همان است که حضرت امام به عنوان راه حل دوم مطرح کردند و طبعاً چنین بناایی حجت است.
۷. فرض (هشت) را می‌توان هم حکم با فرض (هفت) دانست.

۸. اما فرق بین اقسام هفت تا دوازده:

گاهی از ناحیه ائمه (ع) نسبت به روزگار بعد از خودشان، ادله ای موجود است (مثل اینکه می‌فرمایند سیأتی علی امتی زمان ...)

و گاهی هیچ مطلبی را ایشان نسبت به روزگار بعد نگفته‌اند، اما با توجه به اینکه از نظر علم کلام، معتقدیم ائمه (ع) نسبت به آینده خبر داشته‌اند، می‌گوییم، آنها «بنای مستحدثه عقلایی» را می‌دانسته‌اند و از آن ردع نکرده‌اند (فرض ده)

اما در صورتی که روایاتی مثل (سیأتی) موجود است:

گاه در کلام ائمه (ع) آن بنا و روش مستحدثه، امضا شده است (فرض هفت)
و گاه در کلام ائمه (ع) آن بنا و روش مستحدثه، ردع شده است (فرض یازده)
و گاه ائمه (ع) علیرغم اینکه به آن اشاره کرده‌اند اما آن را ردع نکرده و نه آن را امضا کرده‌اند (فرض نه)
و گاه به آن «بنای مستحدثه» اشاره ندارند ولی عموماتی یا اطلاقاتی از ناحیه ایشان موجود است که می‌تواند آن بنای مستحدثه را امضا کرد (فرض هشت) یا ردع کند (فرض دوازده)

۹. فرض (یازده) از بنای عقلاً قطعاً حجت نیست.

۱۰. حجیت فرض (نه) را ممکن است بتوان با تقریر ثابت کرد.

۱۱. اما درباره حجیت فروض (چهار، ده، دوازده و سیزده) باید مستقلاً سخن گفت.

